

فصلنامه علمی آماد و فناوری دفاعی، سال پنجم، شماره سیزدهم، بهار ۱۴۰۱

تبیین رابطه میان توسعه و امنیت در مناطق مرزی (مطالعه موردی: منطقه مرزی بانه)

سید مصطفی هاشمی^۱، حمیدرضا نصرتی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۲

چکیده

توسعه و امنیت، در آمایش مناطق مرزی لازم و ملزوم به شمار می‌روند. توسعه مناطق مرزی محقق نمی‌شود مگر آنکه امنیت به‌عنوان مقوله اصلی در آن منطقه تأمین شود و بدون توسعه مناطق مرزی نیز نمی‌توان امنیت را در مناطق مرزی محقق ساخت. مقاله حاضر، ضمن تبیین مفهوم آمایش مناطق مرزی، ماهیت و کارکرد مرزها، به مفهوم مرز و نگرش‌های حاکم در رابطه با توسعه و امنیت مناطق مرزی پرداخته است و به توسعه و امنیت در شهرستان مرزی بانه و فرصت‌ها و چالش‌های عمده امنیت و توسعه در این منطقه مرزی اشاره دارد. در پاسخ به سؤال پژوهش مشخص گردید که تاکنون موانع زیادی مانع توسعه یافتگی شهرستان بانه شده است. باوجود این فقدان امنیت عامل اساسی در توسعه نیافتگی بانه می‌باشد به طوری که نبود رونق و توسعه در مناطق مرزی به خودی خود احساس هویت، مالکیت را از مرزنیسان سلب می‌کند و اسباب مهاجرت آن‌ها به مناطق دیگر را فراهم می‌آورد. از طرفی مهاجرت و خالی شدن سکونتگاه‌های نواحی مرزی کشور از سکنه به‌طور بالقوه عاملی برای تهدید تمامیت ارضی و امنیت محسوب می‌شود. تثبیت جمعیت در مناطق مرزی و به وجود آوردن احساس مالکیت بر توسعه محلی و رونق منطقه‌ای، مهم‌ترین اصلی است که علی‌رغم اینکه مرزنیسان را در لب مرزهای کشور، تشویق به حفظ و حراست از داشته‌های خود می‌کند، تمایل به برقراری توسعه از درون همراه با حس مشارکت برانگیخته را چندین برابر می‌کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلمات کلیدی: آمایش سرزمین، مناطق مرزی، توسعه، امنیت، شهرستان بانه

^۱ دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران، نویسنده مسئول، پست الکترونیکی sm.hashemi@mfa.gov.ir

^۲ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی



مقدمه

در ترسیم الگوی پایدار محورهایی چون پایداری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نقش اساسی دارند. در این میان پرداختن به موضوع مناطق مرزی از آنجایی ضرورت می‌یابد که پیوستگی متقابل میان امنیت و توسعه وجود دارد. امنیت، زمینه ساز و بستر توسعه اقتصادی-اجتماعی است و از این عناصر تأثیر می‌پذیرد. از این رو مطالعات توسعه مناطق مرزی و نقش آن در مناطق مذکور یک عامل اساسی به شمار می‌رود. در حالی که چنین به نظر می‌رسد که عامل امنیت در مقایسه با سایر ابعاد مطرح در ادبیات رایج توسعه پایدار، کم‌تر مورد توجه جدی و نظام‌مند افراد مرتبط با مسائل توسعه منطقه‌ای قرار گرفته است. امنیت مفهومی ذهنی و نسبی است که بر پایه اصول متعدد در یک جامعه پدیدار و استمرار می‌یابد.

رونق مناطق مرزی در زمینه‌های اقتصاد، کالبدی، فضایی، اجتماعی و در کنار وجود امنیت، از عوامل اصلی توسعه به‌ویژه توسعه پایدار مناطق مرزی است. زمانی که رونق و شکوفایی در یک منطقه وجود داشته باشد اما امنیت وجود نداشته باشد، نتایج حاصل از رونق به وجود آمده در معرض تهدید جدی قرار دارد. زمانی هم که امنیت موجود باشد اما رونق و شکوفایی در مناطق مرزی وجود نداشته باشد، هیچ توسعه‌ای صورت نپذیرفته است. توسعه پایدار زمانی محقق می‌شود که بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی در سطوح ملی و منطقه‌ای همراه با امنیت توسعه یابند. چگونگی برقراری این رابطه تقابل به‌عنوان مسئله‌ای مهم در مناطق مرزی کشوری هم چون ایران که دارای ۸ هزار کیلومتر مرز مشترک با ۱۵ کشور است بسیار حائز اهمیت است. مناطق مرزی ایران از جمله مناطق راهبردی هستند که معمولاً به دلایل مختلفی همچون تمرکزگرایی، دوری از مرکز، موقعیت جغرافیایی حاشیه‌ای و... کم‌تر از سایر مناطق داخلی کشور امکان رسیدن به توسعه پایدار را دارا هستند. این در حالی است که از اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی، توسعه در پهنه سرزمینی ایران با نفت پیوند موضوعی تنگاتنگی برقرار کرد و افزایش و کاهش قیمت این ماده ژئوپلیتیکی، بر چگونگی روند توسعه ملی و ساختار فضایی کشور تأثیر گذار بوده است (صالحی و پور اصغر، ۱۳۸۸: ۱۵۰-۱۵۱)، شاهد نوعی عقب‌ماندگی مناطق مرزی از

گردونه توسعه پایدار ملی بوده است. از آنجاکه در دهه‌های اخیر، محور اصلی حرکت توسعه‌ای کشور، بیشتر به مؤلفه‌های اقتصادی گره‌زده شده است و ابعاد امنیتی در روند توسعه از اهمیت و اولویت کمتری برخوردار بوده است؛ توسعه پایدار در این مناطق به مثابه آنچه باید روی می‌داد؛ اتفاق نیفتاده است. علی‌رغم وجود این مسئله، نظر به برقراری امنیت و ثبات در مناطق مرزی کشور، بارونق‌هایی که طی چند دهه اخیر در بخش‌هایی از این مناطق هم‌چون منطقه مرزی با ننه پدید آمده است، می‌توان با شناخت مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار در منطقه و کنترل، برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح فرآیندهای موجود از طریق ارائه اهداف کلان، راهبردها و سیاست‌های کاربردی و اجرایی، به توسعه‌ای پایدار در این مناطق دست‌یافت، به نحوی که فاصله مناطق پیرامونی کشور به‌عنوان مناطق مرزی، با مناطق داخلی کشور از منظر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاهش یابد.

آرایش و چیدمان پدیده‌های جغرافیایی در یک منطقه، زیربنای توسعه منطقه‌ای محسوب می‌شود و برنامه‌ریزی در جهت توسعه یک منطقه از ضروریات مدیریت و حرکت هدفمند مدیران و برنامه‌ریزان منطقه‌ای محسوب می‌شود. پژوهش حاضر رویکردی واقع‌گرایانه دارد؛ روش تحقیق این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و یافته‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه کتب، نشریات، فصلنامه‌ها و مقالات علمی-پژوهشی و منابع اینترنتی؛ به دست آمده و از طریق فیش-برداری، داده‌های موردنیاز گردآوری شده است.

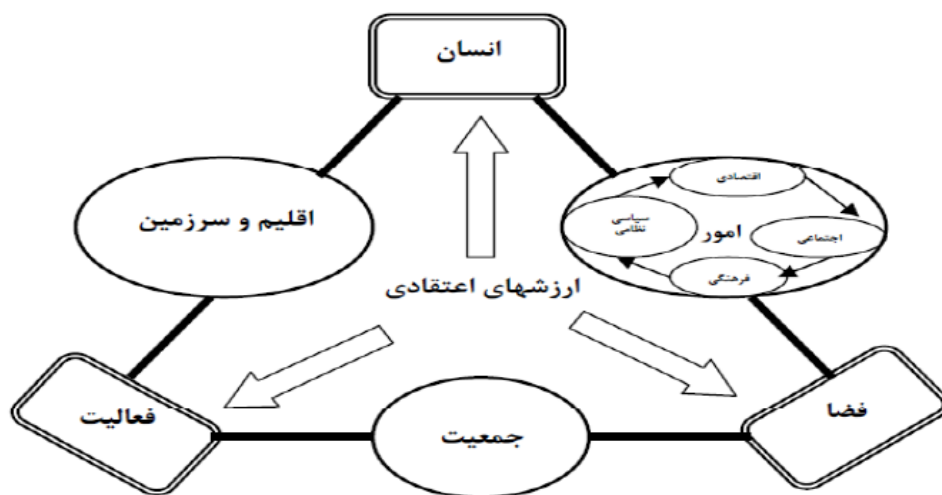
۱- مباحث نظری

۱-۲- برنامه‌ریزی آمایش سرزمین

برنامه‌ریزی آمایش سرزمین مجموعه اقداماتی تلقی می‌شود که منجر به تهیه چارچوب مشخص و فرایندی متقن جهت بهره‌برداری عقلایی از امکانات، منابع و استعدادهاى مناطق مختلف سرزمین یک کشور می‌شود (احمدی پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳)؛ به نحوی که در این چارچوب و فرایند مؤلفه‌های اصلی آمایش سرزمین شامل جمعیت، امکانات و فعالیت‌ها در فضای ملی به نحو مطلوب و مدیریت‌شده و با حداکثر بهره‌وری مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۸). آمایش سرزمین به دنبال ایجاد سرزمینی است که در آن با بهره‌گیری از



استعدادهای انسانی و محیطی؛ میان کنشگران انسانی و عوامل محیطی کنش متقابل برقرار کند (بصیرت، ۱۳۹۰: ۶)



شکل شماره ۱- کنشگری مؤلفه‌های سه‌گانه آمایش سرزمین (سرور، ۱۳۸۴: ۲۶)

۲-۲- آمایش مناطق مرزی

آمایش بهترین توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی سیاسی در یک چارچوب جغرافیایی معین به دنبال بهترین توزیع ممکن جمعیت، سازماندهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی به منظور تحقق آینده‌های مطلوب، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، نظارت بر عمران، حفاظت فضا یا سرزمین چارچوب نظری توسعه مناطق مرزی، در کل، چارچوب توسعه منطقه‌ای است. از آنجایی که مناطق مرزی با مناطق مرکزی تفاوت دارد، این چارچوب نظری بر تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی استوار است. اصولاً تمام نظریه‌های مربوط به توسعه منطقه‌ای بر پایه پدیده عدم تعادل منطقه‌ای به عنوان محور بحث می‌چرخند. این نظریه‌ها یا پدیده عدم تعادل منطقه‌ای را تفسیر می‌کند و یا برای رفع آن، راه حل ارائه می‌دهد. از آنجایی که عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی مشهود و شاخص

است، پایه‌های نظری آمایش مناطق مرزی بر نظریه‌های توسعه منطقه‌ای مستقر می‌شود. م‌شوق-های اقتصادی توسعه که کمک‌های مالی توسعه منطقه‌ای نماد آن در دهه ۱۹۸۰ بود، تاکنون مهم-ترین ابزار سیاست‌گذاری بوده است (کالینگورس، ۱۳۸۷: ۵۰).

هدف اساسی از مدیریت و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، توزیع فعالیت‌های اقتصادی، اجته‌ماعی، جمعیتی و ظرفیت‌های آشکار و پنهان با توجه به تحولات و دگرگونی‌های زهان و نیازهاست که عمدتاً با دیدی درازمدت و به‌منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات آن و همچنین هویدا کردن نقش و مسئولیت خاص هر منطقه بر اساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن به‌طور هماهنگ با دیگر مناطق است (خنیفر، ۱۳۸۹: ۶).

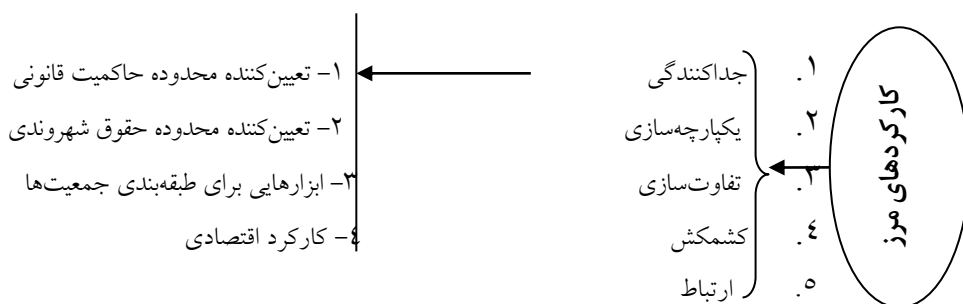
آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند می‌دهد و راه‌کاری برای توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شود (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۴). لذا گرچه آمایش مناطق مرزی یک نوع فن برنامه‌ریزی است، اما خود بر پایه‌های نظری و روش‌شناسی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی‌های مناطق مرزی، موانع توسعه و یا امنیت را باهم در نظر گرفته و بر آن‌ها راه‌حل‌های یکپارچه‌ای ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت در مناطق مرزی را یکدیگر منطبق سازد؛ بنابراین می‌توان "آمایش" را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی-فضایی و "آمایش مناطق مرزی" را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضای مرزی کشورها دانست (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۵).

۲-۳- ماهیت و کارکرد مرزها

مرز از جمله مفاهیمی است که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوتی پیدا می‌کند (استعلاجی، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۱). انسان برای مشخص ساختن محیط پیرامون خود، به‌گونه‌ای که با گستره فعالیت هم‌سایگان آن تداخل نداشته باشد، ناچار به تعیین خطوط قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط‌زیست یا قلمرو خود است. نوع گسترش یافته این مفهوم خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص



می‌سازد و جنبه سیاسی پیدا می‌کند که مرز خوانده می‌شود. (مجته‌په‌زاده، ۱۳۸۱: ۴۰) مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۹). ژان نیز گاتمن جدایی‌های سیاسی در گروه‌های انسانی را بررسی کرده و حرکتی معنوی را در محیط انسانی شناسایی می‌کند که ظرافت، افراد را در یک گروه انسانی گرد می‌آورد و آنان را از دیگر گروه‌ها جدا می‌سازد و به یک ملت یکپارچه تبدیل می‌کند (مجته‌په‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۹). درایسدل نیز مرز را پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌کند که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال، کالا و ... مانع ایجاد می‌کند (درایسدل، ۱۳۷۴: ۵۵)؛ بنابراین، یکی از وظایف جغرافیای سیاسی که مک‌کارت به توضیح کارکردهای مرزهای سیاسی به‌عنوان یک وسیله ضروری از تشکیلات فضایی انسان و زندگی با آن در یک‌راه هوشیارانه است. در این راستا، مرزها تاکنون کارکردهای مختلفی به خود گرفته‌اند و به‌مرور زمان این کارکردها تضعیف و یا تقویت شده و یا تغییر کرده است؛ اما با توجه به این موضوع به‌طور کلی کارکردهای زیر را برای مرزها می‌توان قائل شد:



مدل شماره ۱: کارکردهای مرز (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰)

۲-۴- تحلیل مفهوم مرز از دیدگاه نظریه قطب‌رشد

مرز در مفهوم نظریه قطب‌رشد، دورترین نقطه‌ای است که شعاع تأثیرات توسعه‌ای قطب‌رشد به آنجا می‌رسد. بر این اساس، مرز منطقه‌ای است که کمترین بهره‌مندی از تشعشعات توسعه‌ای قطب‌رشد را دریافت می‌کند؛ به این جهت مناطق مرزی اغلب مناطقی محروم، توسعه‌نیافته و عقب‌مانده به‌شمار می‌روند (دارونت، ۱۳۷۳: ۵۲)، از آنجاکه اساس این نظریه بر توسعه اقتصادی،

به ویژه صنعتی، متکی است و برای سرمایه‌گذاری کلان اقتصادی باید شرایط و ویژه‌ای وجود داشته باشد که به‌طور عمده، در مناطق میانی و مرکزی فراهم است، لذا تو سعه مرزها از طریق تو سعه قطب رشد با تأخیر زمانی انجام می‌گیرد. موانع گمرکی، قطع یا نامنا سب بودن راه‌های ارتباطی از موانع تأخیر توسعه‌اند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۷)؛ اما به‌مرور زمان آثار تو سعه ایجاد شده در قطب رشد به شک امواج در فضاهای اطراف خود منتشر می‌شود.

۲-۵- تحلیل مفهوم مرز از دیدگاه نظریه مرکز - پیرامون

با بررسی اجمالی مناطق مرزی در مقایسه با مناطق مرکزی کشور، می‌توان به شاخص‌های عمده‌ای از جمله انزوای جغرافیایی مناطق مرزی، دوری از قطب‌های صنعتی - اقتصادی، قرار گرفتن در حاشیه و پیرامون، همچنین تو سعه‌نیافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به مناطق مرکز کشور دست‌یافت (hansen, 1975; 821-823). در ارتباط این نظریه با برنامه‌ریزی اولویت‌های مداخله چند نکته اهمیت دارد که عبارت‌اند از:

۱- مرزها به دلیل واقع شدن در مناطق پیرامونی و دور از مرکز، اولاً، مورد بی توجهی کامل قرار می‌گیرند؛ زیرا امکان بهره‌برداری از منابع آن‌ها کمتر از مناطق نزدیک به مرکز است. ثانیاً، به دلیل بی توجهی، حداقل منابع موجود این مناطق نیز به سوی مناطق مرکزی یا مناطق نزدیک به آن تمایل می‌یابند (pena, 2005; 286-290).

۲- به دلیل تأخیر، تأثیرپذیری و بهره‌برداری مناطق مرزی از مرکز منطقه، سرعت تو سعه‌نیافتگی در مناطق مرزی کند است؛

۳- نواحی مرزی به دلیل انزوای جغرافیایی، تو سعه‌نیافتگی و جز آن در برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز عمده جمعیتی تفاوت‌های فاحشی دارند که این تفاوت‌های عمده به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه استثماری به نفع مرکز منجر می‌شود؛ اما با سطح‌بندی برنامه‌ها و اجرای متناسب در نقطه صفر مرزی که سبب ایجاد روابط تجاری و فرهنگی بین مرزنشینان دو سوی مرز می‌شود، شرایط جدیدی در منطقه فراهم می‌شود که زمینه‌ساز رفاه و توسعه این منطقه می‌شود (pena, 2005; 286-290).



موارد یادشده بیانکننده اهمیت توجه ویژه دولت و مراکز جمعیتی به ناحیه مرزی است که بر اساس آن رابطه نوینی بین مرکز و پیرامون برقرارشده و به ایجاد همگرایی، تثبیت جمعیت، توسعه و رفاه همگانی منجر می‌شود. در این صورت، نگاه جمعیت مرز نشین به جای نگاه به خارج به سمت درون و همگرایی معطوف می‌شود.

۳- نگرش‌های حاکم در رابطه با توسعه و امنیت مناطق مرزی

۳-۱- نگرش قائل به تقدم امنیت بر توسعه

این نگرش قائل به انجام توسعه در بستر امنیت در مناطق مرزی است. این نگرش قائل است که توسعه در بستر امنیت شکل می‌گیرد و تا زمانی که امنیت شکل نگیرد، امکان توسعه همه‌جانبه وجود ندارد. نمونه بارزی از چنین تفکری عراق می‌باشد. این کشور با داشتن تراکم جمعیتی و تمرکز منابع نفتی و سوابق تاریخی ستیز تمدن‌ها در حول و حوش مرز شرقی خود، اولویت نخست را به امنیت مناطق مرزی می‌دهد.

۳-۲- نگرش قائل به تقدم توسعه بر امنیت

این نگرش قائل به این است که هرگونه ایجاد امنیت در مناطق مرزی منوط به بهبود شرایط توسعه و توسعه‌یافتگی مناطق است. این دیدگاه بر این عقیده استوار است که توسعه‌یافتگی عامل اصلی ناامنی است. بر این اساس برای تحقق امنیت در مرزها ابتدا باید بر روی توسعه این مناطق تمرکز نمود. کشورهایی که معتقد به این دیدگاه هستند، دارای ویژگی‌های خاصی هستند. که به‌طور عمده عبارت‌اند از اینکه: این کشورها معمولاً توسعه‌یافته‌تر از سایر کشورهای هم‌جوار خود هستند و از درآمد سرانه بالاتری نیز برخوردار می‌باشند. در مقابل، کشورهای هم‌جوار آن فاقد چنین سطح درآمدهایی هستند و لذا نتایج توسعه‌یافتگی آن کشورها به همراه ناامنی از طریق مرزها وارد کشور توسعه‌یافته‌تر می‌شود و لذا چنین کشورهایی با ایجاد کمربند حاشیه‌ای توسعه‌یافتگی با کشور هم‌جوار و برقراری مقررات ویژه اقتصادی توسعه‌یافتگی در این کمربند، از رسوخ ناامنی و هجوم آحاد کشور کمتر توسعه‌یافته به کشور خود جلوگیری می‌کنند. در این مناطق سعی می‌شود ایجاد اشتغال

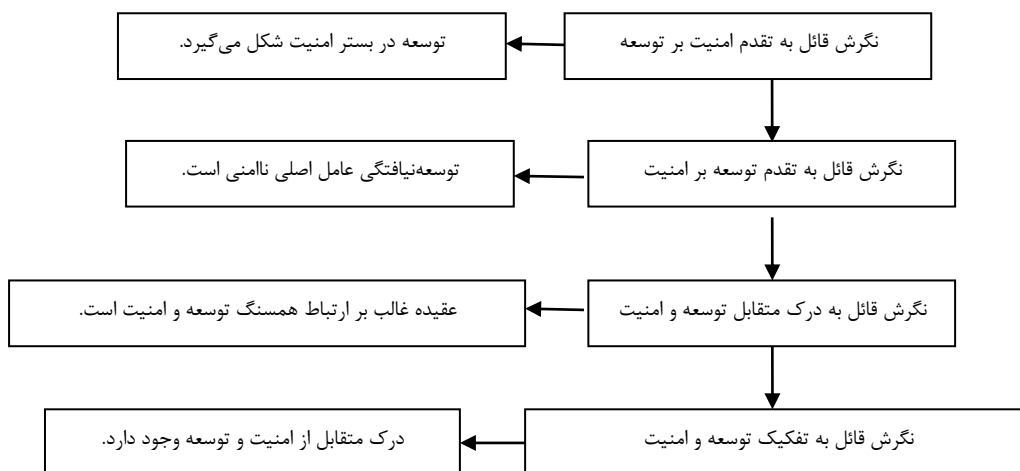
و تجارت با مقررات تسهیلی صورت گیرد و نیروهای جویای کار کشور همسایه در همان حوزه به فعالیت اقتصادی و کسب درآمد بپردازند. در گذر زمان این منطقه توسعه یافته و خود با عت توسعه امنیت در مرزها می شود. نمونه چنین کشورهایی آمریکا و مکزیک هستند با مرز طولانی بیش از ۳۱۰۰ کیلومتر.

۳-۳- نگرش قائل به درک متقابل توسعه و امنیت

در این نگرش، عقیده غالب بر ارتباط همسنگ توسعه و امنیت است. هیچ کدام بر دیگری رجحان ندارند. این نگرش ویژه دو کشوری است که دارای درک متقابل و نزدیک به یکدیگر می باشند. از ویژگی های چنین کشورهایی معمولاً کوچک بودن منطقه سرزمینی، ارتباط بسیار فعال مرزی با کشورهای همسایه و وابستگی متقابل حیات مردم دو طرف مرز به یکدیگر می باشد. از جمله چنین کشورهایی دول عضو اتحادیه اروپا می باشند.

۳-۴- نگرش قائل به تفکیک توسعه و امنیت در عرصه عمل

در این نگرش درک متقابل از امنیت و توسعه وجود ندارد و مسئولین و برنامه ریزان هر یک از دو حوزه امنیت و توسعه به کار خود مشغول اند. از مهمترین ویژگی های کشورهای با چنین نگرشی عبارتند از: گستردگی پهنه سرزمین و ضعف پیوندهای فضایی بین مناطق کشور و همین طور وجود همین ضعف با کشور همسایه به دلیل گستردگی سرزمین، عدم وابستگی کشور به منابع واقع در مرز، عدم توانایی دولت مرکزی و دستگاه های تابع ملی و محلی در استفاده مناطق مرزی (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۱).



مدل شماره ۲: نگرش‌های حاکم در رابطه با توسعه و امنیت مناطق مرزی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶)

۴- جایگاه بعد اقتصادی در امنیت مرزها

از آنجاکه مناطق مرزی از مرکز دور می‌باشند و همواره با تهدید محرومیت و حاشیه‌ای بودن روبه‌رو هستند بنابراین توجه به توسعه و امنیت مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها، بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد. از سوی دیگر، افزایش فعالیت‌های اقتصادی سالم و سرمایه‌گذاری دولت‌ها در مناطق مرزی، مشروط بر کاهش اختلاف فاحش اقتصادی، می‌تواند مفید باشد؛ حمایت دولت‌ها از سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و تبدیلی در مناطق مرزی، فعال کردن قابلیت‌های جهانگردی، ایجاد نمایشگاه‌های کالا، بازارچه‌های مرزی، می‌تواند در تعاملات قانونی مرزها و بهبود کارکرد مرزها مؤثر باشد.

با تغییر در راهبردها از حالت نظامی به حالت غیرنظامی، طبیعی است که در کارکرد سستی مرزها نیز تحولات عمیقی رخ داده است. یکی از این عواملی که می‌توان به آن اشاره نمود این است که در قرن حاضر؛ آنچه امنیت مرزها را به خطر می‌اندازد دیگر عوامل نظامی نیست بلکه این عوامل به سمت مسائل غیرنظامی گرایش پیدا کرده که مهم‌ترین آن‌ها اقتصادی است؛ دوری از مرکز کشور، مسئله جغرافیایی است که از طبیعت مناطق مرزی ناشی می‌شود، پیامدهایی نامطلوبی را برای مناطق

مرزی به همراه دارد که مهم‌ترین آن، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق و قرار گرفتن آن‌ها در مسیر امواج توسعه کشور است. دوری از مرکز جغرافیایی کشور، که به معنای دوری از مراکز تصمیم‌گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی است، باعث می‌شود مناطق مرزی هم به دلیل دوری از مرکز و هم به دلیل فقدان قابلیت‌های جمعیتی و صنعتی در این مناطق، کمتر در جریان برنامه‌های توسعه داخلی قرار گیرند. لذا این مناطق از محرومیت شدیدی رنج می‌برند. بی‌شک وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که مخل امنیت مرز محسوب می‌شوند، تأثیر شگرفی دارد. بر اساس تحقیقات انجام‌شده، امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر هستند. به عبارت دیگر، توسعه و امنیت، تأثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند. به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه، تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای اخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه‌نیافته‌تر برخوردارند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

بنابراین، توسعه اقتصادی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرز نشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد. از سویی دیگر، افزایش فعالیت‌های اقتصادی سالم و سرمایه‌گذاری دولت‌ها در مناطق مرزی، مشروط به عدم اختلاف فاحش اقتصادی در دو سوی مرز، نیز می‌تواند بر کارکرد ارتباطی مرز تأثیر مثبت داشته باشد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی در مناطق مرزی دو کشور و تأثیر آن بر کارکردهای امنیتی مرز اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی و همچنین تفاوت فاحش درآمد و قیمت کالا و خدمات در دو سوی مرز به‌طور قطع تأثیر منفی بر کارکرد امنیت مرزها خواهد داشت. به این علت که وجود اختلافات فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه، که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات، تسهیلات و بازار کالا در دو سوی مرز می‌گردد، باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از توان اقتصادی ضعیف‌تری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و تردد غیر قانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز کنند



این وضعیت در بسیاری از نقاط جهان وجود دارد. این مسئله در مورد مرزهای ایران نیز صدق می‌کند. مثل قاچاق مواد سوختی از جمله بنزین، گازوئیل و احشام از ایران به ترکیه که به دلیل تفاوت فاحش بهای آن‌ها در کشورهای مذکور انجام می‌شود (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۷۱)؛ اما نکته دیگری که حائز اهمیت است این می‌باشد که، وجود اختلاف قیمت کالاها خدمات در دو سوی مرز، در برخی موارد می‌تواند بر کارکرد ارتباطی مرزها (بیشتر یک‌سویه) تأثیر مثبت داشته باشد. بدین نحو که قیمت‌های مناسب‌تر کالاها و خدمات در منطقه مرزی یک کشور باعث افزایش ورود مرز نشینان کشور مقابل به منظور استفاده از این مزایا می‌شود و این امر در دراز مدت باعث افزایش ورود مرز نشینان کشور مقابل به منظور استفاده از این مزایا می‌شود و این امر در دراز مدت باعث افزایش تعاملات و وابستگی‌های دو طرف شده و منجر به بهبود کارکرد ارتباطی مرزها می‌شود (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۴). الگوی زیر نوع همکاری کشورها و تأثیر آن در کارکرد مرز نوع رابطه، تأثیر بر کارکرد ارتباطی مرزها، تأثیر بر کارکرد امنیتی مرزها را نشان می‌دهد:

همکاری مثبت

الف: گسترش ارتباطات مرزی و توسعه مناطق مرزی.

رقابت تاحدی منفی

الف: ارتباطات متوسط تا ضعیف مناطق مرزی و عدم توسعه مطلوب مناطق مرز.

ب: وضعیت نامطلوب امنیت در مناطق مرزی.

تضاد منفی

الف: هیچ نوع ارتباطات مرزی وجود ندارد.

ب: ناامنی وسیع در مناطق مرزی و از بین رفتن امنیت مرزی.

وجود ثبات و یا بی‌ثباتی در یک کشور، حداقل از دو بعد تأثیر مهمی بر کارکرد مرزها از نظر امنیتی دارد:

- ۱) هرگونه بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور ضمن ایجاد بحران در امور داخلی کشور مزبور باعث سرایت بحران و پیامدهای مخرب آن به کشورهای هم‌جوار به‌ویژه مناطق مرزی خواهد شد.
- ۲) بی‌ثباتی سیاسی و تغییر پی‌درپی حکومت‌ها، منجر به عدم ثبات در وضع و اجرای قوانین و مقررات می‌شود.

بدیهی است، عدم ثبات قوانین و برخوردهای چندگانه در مورد فعالیت‌های و مقررات موجود در مناطق مرزی، باعث عدم توسعه پایدار در این مناطق می‌گردد. چنان‌که به‌عنوان مثال، اگر یک دولت اسلام‌گرا در ترکیه بر سرکار آید، روابط دو کشور روند رو به رشدی را خواهد داشت و بازتاب این امر در مناطق مرزی در قالب گسترش ارتباطات مرزی خود را نشان خواهد داد؛ اما به‌محض تغییر دولت و به‌خصوص روی کار آمدن نظامیان، عملاً روابط حسنه دو کشور، سیر نزولی پیدا می‌کند و اولین بازتاب‌های این کاهش سطح روابط در مناطق مرزی در قالب برجسته شدن کارکردهای امنیتی و محدود شدن فعالیت‌های ارتباطی میان مرز نمایان می‌شود. از آنجا که مسئله ارتباطات مرزی و گسترش مبادلات مرز از طریق ایجاد بازارچه‌های مرزی و ... یک موضوع دو‌جانبه است. هرگونه تغییر در قوانین کشور مقابل، طرح‌ها و اقدامات کشورمان را بر اثر تفاهم‌نا‌ه‌های قبلی ایجاد شده است، ناکام خواهد گذاشت (زرقانی، ۱۳۸۶: ۲۲۱).

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- آمایش مناطق مرزی ایران

فضای جغرافیای ایران را می‌توان به سه قلمرو ژئواستراتژیک تقسیم نمود:

الف) قلمرو حاشیه یا ریملند؛ ب) قلمرو سرزمین میانه که بر منطقه مرتفع و به عبارتی بر اسکلت پیرامونی فلات ایران تطبیق دارد؛ و ج) قلمرو سرزمین مرکزی یا هارتلند (چو خاچی‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۲).

مناطق مرزی ایران یکی از مهمترین و حساس‌ترین مناطق مرزی خاورمیانه و جهان به‌حساب می‌آید. این مناطق در طول تاریخ چندین هزارساله کشور، حوادث گوناگون سیاسی و نظامی را شاهد بوده است. برخورداری ایران از موقعیت ژئوپلیتیک، حساسیت بیشتری نسبت به این مناطق



جلب کرده است؛ بنابراین، در طول تاریخ چند هزارساله کشور، نه تنها وسعت و شکل جغرافیایی ایران دچار تحول شده، بلکه مرزهای سیاسی آن کم و بیش دستخوش تغییر بوده است.

در چنین شرایطی شاهدیم که از دیرباز، قسمت‌هایی از مناطق مرزی ایران به دلایل زیر یکی از نقاط آسیب‌پذیر و بحران‌خیز به شمار می‌رفته است: وجود تهدیدات نظامی مداوم؛ تردد های غیرقانونی اتباع کشورهای مجاور به صورت مهاجرین غیرقانونی، گروه‌های معاند و قاچاقچیان مواد مخدر، توسعه نیافتگی و محرومیت همچنین مناطق مرزی ایران از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

۱- مرز طولانی به طول ۷۸۱۶ کیلومتر؛

۲- تنوع جغرافیایی در مناطق مرزی؛

۳- همسایگی ایران با ۱۵ کشور و کسب دومین رتبه در جهان، بعد از چین؛

۴- قرار گرفتن بیش از نیمی از استان‌های کشور در مناطق مرزی؛

۵- کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیان‌های اقتصادی؛

۶- تراکم اندک جمعیت و پراکندگی آن در نواحی نزدیک به مرز؛

۷- تنوع خطرات و تهدیدات امنیتی از سوی همسایگان و وابستگی آن‌ها به ابرقدرت‌ها؛

۸- عدم تعادل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی بین این مناطق و مناطق مرکزی؛

۹- پایین بودن شاخص‌های توسعه در بیشتر این مناطق در مقایسه با میانگین آن در سطح ملی (عندلیب و شریف، ۱۳۷۹: ۱۵۴)؛

مناطق مرزی به دلیل مجاورت با کشورهای خارجی و شرایط جغرافیایی و سیاسی حاکم بر آن‌ها، ویژگی‌های خاص خود را دارد و جزء لاینفک آن‌ها به شمار می‌رود. تأثیرات مستقیمی بر روند توسعه این مناطق دارد چنانچه این ویژگی‌ها مورد توجه قرار نگیرد، تأثیراتی منفی بر روند توسعه و امنیت مناطق می‌گذارد و به‌عنوان تهدیدی در برابر توسعه عمل خواهد کرد اما اگر مورد توجه قرار گیرد و در فرایند برنامه‌ریزی توسعه و آمایش آن مناطق، به کار گرفته شود، اثرات مثبتی از خود به جای می‌گذارند و از تهدید به فرصت تبدیل می‌شود (زرآبادی و هم‌کاران، ۱۳۹۲: ۴).

۲-۵- عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی و محرومیت مناطق مرزی

۱-۲-۵- دوری از مرکز

این مسئله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی نشأت می‌گیرد و دوری از مرکز تصمیم‌گیری سیاسی، اداری و اجرائی را در پی دارد، پیاپی‌های نامطلوبی چون ضعف اطلاع مسئولین مرکز از مشکلات مناطق دور از مرکز و عدم توجه آن‌ها را به همراه دارد. طولانی بودن مسیر رفت و آمد، عدم احساس امنیت قضایی و اجتماعی به دلیل طولانی شدن مسیر تصمیم‌گیری و رسیدگی به مشکلات و مسائل مردم دور از مرکز و... از تبعات این امر می‌باشد.

۲-۲-۵- انزوای جغرافیایی

حاشیه‌ای بودن به مفهوم دوری و جدایی از ساختار اقتصادی یک کشور یا یک منطقه و یا حتی از نظام اقتصادی جهان است. در اغلب کشورهای جهان سوم پدیده حاشیه‌ای بودن بر پدیده دوری از مرکز تا حدود زیادی منطبق است. دلیل این امر این است که مرزها در ایران و در بیشتر کشورهای مشابه، به‌طور تقریبی از نقاط جغرافیایی دور دست که دارای منابع اقتصادی کمتر و جمعیت پراکنده می‌باشند، عبور داده شده است.

۳-۲-۵- ناپایداری سکونت

داشتن جمعیت ناپایدار یا ناپایداری سکونت بر اثر دو دلیل عمده به وجود می‌آید:

۱- توسعه نیافتگی و حاشیه‌ای بودن و ۲- عدم رونق مبادلات اقتصادی.

۴-۲-۵- تبادلات مرزی

از دیدگاه سیستمی، مناطق مرزی نسبت به کل نظام (سیستم) یک کشور، حکم پوست بدن را دارد که دو وظیفه اصلی را بر عهده دارند:

۱- کنترل نمودن و ایجاد هماهنگی در مبادلات کشور با کشورهای دیگر و محیط مجاور (عبور و تردد کالا، انسان، ارز و ...)



۲- محافظت از کشور در برابر عوامل زیان‌بار از جمله تهاجمات امنیتی، نظامی، اقتصادی و ... مناطق مرزی.

۵-۲-۵- تفاوت‌های فرهنگی

تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی تأثیرات مستقیمی بر روند توسعه و امنیت می‌گذارد. چنانچه قومیتی با دولت مرکزی خود همگرایی نشان دهد، شرایط توسعه و امنیت در آن مناطق فراهم می‌شود. به نظر نگارنده همگرایی با دولت مرکزی نیز درگرو توجه دولت مرکزی به توسعه این مناطق می‌باشد.

۵-۲-۶- دوگانگی سیستم

از دیدگاه سیستمی، فضاهای مناطق مرزی از سویی تعلق به کل نظام داخلی (کشور متبوع) دارد و از سویی دیگر، به دلیل مجاورت با کشورهای هم‌جوار، تحت تأثیر نظام فضاهای هم‌جوار قرار می‌گیرد. از این جهت مناطق مرزی ضمن اینکه تابع نظام داخلی است و از سوی دولت مرکزی اداره می‌شود، به دلیل دوری از مرکز، حاشیه‌ای بودن، موانع جغرافیایی و میزان تأثیر نظامی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور هم‌جوار بر آن، مسائل و مشکلاتی را دارا می‌باشد (خیرالدین و رازپور، ۱۳۹۲: ۸-۱۰).

۵-۲-۷- تصدی‌گری دولت؛ چالش اصلی توسعه و امنیت در مناطق مرزی کشور

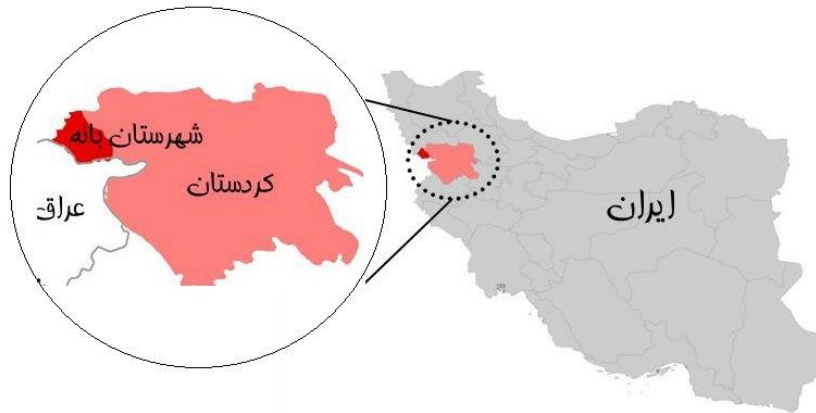
تمرکز قدرت در نهادی به نام دولت و همه‌چیز را در آن خلاصه دیدن و در نتیجه انتظار برآورده شدن تمامی خواسته‌ها و نیازمندی‌ها از آن، باعث می‌شود که به دلیل فقدان و یا نقص کارکرد عرصه عمومی در کشور، عمده با تأمین انتظارات شهروندان بر عهده حوزه حکومتی قرار گیرد. در نتیجه، افزایش شمار جمعیت که به گسترده شدن هر چه بیشتر عرصه خصوص در این کشورها می‌انجامد، از توان و قدرت پاسخ‌گویی عرصه تقریباً ثابت حکومتی روز به روز می‌کاهد و از این لحاظ دولت با توجه به محدودیت منابع قادر به تأمین انتظارات فزاینده شهروندان نخواهد بود. بدین ترتیب، شهروندانی که پاسخ مقتضی به نیازهایشان را از دولت دریافت نمی‌دارند، به تدریج

قابلیت و کارآمدی آن در برآورده ساختن انتظارات را زیر سؤال برده، خود در صدد تأمین آن ها برمی آیند.

بدیهی است حاکمیت چنین فضایی بر هر مجموعه انسانی، باعث آن خواهد شد که هر یک از افراد مجموعه به تنهایی و بدون در نظر گرفتن منافع دیگری، در پی تحقق خواسته ها و نیاز های فردی برآید. نتیجه مستقیم چنین روندی، تضعیف و فاق بین آحاد جامعه و جایگزینی گسست به جای همبستگی و همدلی میان آنان خواهد بود. در چنین فضایی، ناتوانی و ناکارآمدی دولت در مقام متولی اصلی امنیت در تأمین آرامش و امنیت مرز نشینان، امری مسلم و حتمی است. با توجه به این مسائل، به نظر می رسد کارآمدترین شیوه برای افزایش ضریب امنیتی در جوامعی نظیر ایران، عمومی ساختن مقوله امنیت است؛ بدین معنا که با برخوردی شایسته و پاسخ هایی رسا به انتظارات اجتماعی به ویژه تأمین احساس مشارکت از طریق تدارک ساختارهای نظام مند برای گردآوری و انتقال نظرات و خواسته های آحاد جامعه به نهاد تصمیم گیری، می توان از فاصله افتادن میان امنیت نظام و امنیت ملی و شکل گیری بحران مشروعیت جلوگیری کرد.

۳-۵- توسعه و امنیت در شهرستان مرزی بانه

شهرستان بانه به عنوان غربی ترین شهرستان کشور در استان کردستان دارای ویژگی خاصی است که آن را از دیگر نواحی کشور متمایز ساخته است. تحولات جمعیتی این شهرستان به دلیل بروز ناامنی های غرب کشور در جنگ ایران و عراق و نیز درگیری های حزب دموکرات با نظام جمهوری اسلامی ایران، با تحولات زمان مشابه در کل کشور متفاوت به نظر می رسد. شهرستان مرزی بانه که طی دهه اخیر بنا به وجود اقتصاد غیررسمی کوله بری، به درگاهی برای ورود و خروج غیررسمی کالا در مرز ایران و عراق تبدیل شده است، حوزه تأثیر خود را به سراسر کشور گسترش داده است.



شکل شماره ۲: موقعیت شهر بانه در همسایگی با کشور عراق (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۱)

۳-۶- اثرات توسعه و امنیت بر تحولات اجتماعی، کالبدی و فضایی منطقه مرزی بانه

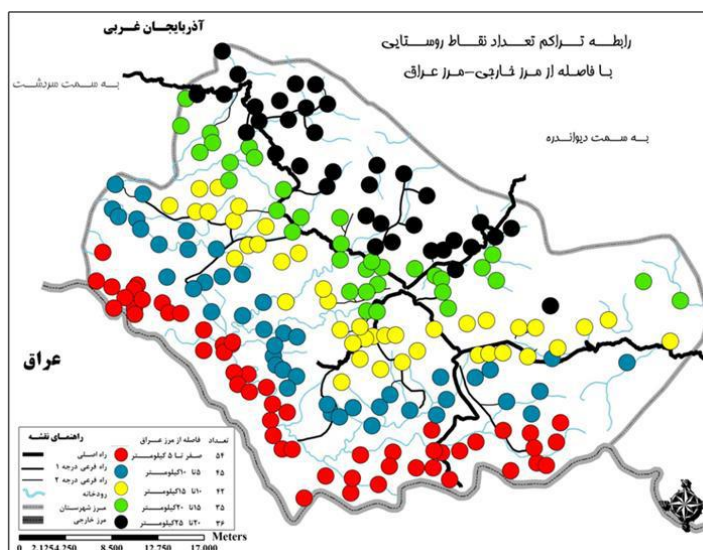
۱-۳-۶- رشد آموزش و سواد در منطقه مرزی بانه عامل ارتقای امنیت مرزی

طبق اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۵ از کل جمعیت شهری ۷۲/۹ و از کل جمعیت روستایی ۵۴/۹ درصد باسواد بودند. میزان سواد هرد و زن در نقاط شهری به ترتیب ۸۳/۴۵ و ۶۹/۳۵ درصد بوده است. میزان باسوادی زنان در نقاط شهری و روستایی نیز به ترتیب ۶۲/۴ و ۴۰/۵ درصد بوده است؛ اما افزایش امنیت در نتیجه تثبیت موقعیت‌های مرزی و رونق‌های صورت گرفته، علاوه بر افزایش تعداد باسوادان در سال ۸۵، شکاف سواد میان زن و مرد نیز کاهش یافته است. شدت کاهش شکاف میزان باسوادی میان زن و مرد در روستاها بیشتر از مناطق شهری بوده است. لذا به نظر می‌رسد که طراوت زندگی و آینده‌نگری در مردم این منطقه مرزی وجود دارد. پس شایسته است تا از این پتانسیل در جهت توسعه بهتر منطقه استفاده شود به نحوی که هویت محلی در این مناطق مرزی به دست خود مردم علاقه‌مند به مشارکت تقویت شود و خود همین مردم مرزنشین از طریق تقویت و دفاع از کیانی که تحت سلطه‌شان است در کنار میل شدید که به رونق هرچه بیشتر منطقه دارند، تمایل به دفاع از داشته‌های خود و تأمین امنیت کشور خواهند

داشت و این به معنای رابطه متقابل توسعه و امنیت در مناطق مرزی است که وجود یکی بدون دیگری ممکن نیست (خیرالدین و رازپور، ۱۳۹۲: ۱۲).

۲-۳-۶- رونق روستاهای مرزی شهربانه؛ عامل دفاعی - امنیتی و رونق توسعه منطقه‌ای

نواحی چسبیده به مرز تنها زمانی دارای رونق و توسعه هستند که ابتدا امنیت در آن‌ها برقرار باشد و سپس امکانات امرارمعاش برای مردم مرز نشین ساکن در آن مهیا شود. نحوه پراکندگی فضایی روستاهای شهرستان بانه نشان از آن دارد که مکان‌یابی روستاهای نزدیک به نوار مرزی، وابستگی خاصی به جاده‌های آسفالت شهرستان ندارند، بلکه این نقش مرز است که مکان‌یابی روستاها را طوری سامان داده که حتی تراکم نقاط روستایی در بخش غربی شهرستان بیشتر از نواحی شرقی شهرستان باشد. موقعیت مرزی شهرستان بانه شرایطی را پدید آورده که طی آن بیشتر روستاهای نزدیک به مرز تبدیل به انبار و باراندازهایی شده‌اند که غیررسمی وارد کشور می‌شوند. علاوه بر این، درآمد غیررسمی از اقتصاد غیررسمی مرزی باعث شده است که ساکنین روستایی کم‌تر تمایل به مهاجرت به شهرهای مجاور داشته باشند. در کنار این مسائل، سطح مناسب خدمات روستایی باعث رونق زندگی روستایی در شهرستان بانه شده است و این امر مسبب تثبیت جمعیت روستایی شده است. عامل مرز در تحرکات فضایی جمعیت شهرستان بانه بسیار حائز اهمیت است. چنانکه بعد از یک دوره کاهش جمعیت روستایی در نوار مرزی ایران - عراق در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ متأثر از جنگ تحمیلی، دوباره جمعیت روستاهای حاشیه مرز تا سال ۱۳۸۵ افزایش می‌یابد. امنیت بعد از جنگ تحمیلی در منطقه و فراهم آمدن زمینه‌های لازم برای استفاده از موقعیت مرزی، باعث شد که روستاهای حاشیه مرز دارای جاذبه‌ای خاص برای جذب جمعیت باشند.



شکل شماره ۳: نسبت فاصله دسته‌های روستایی از مرز ایران-عراق با تعداد این روستاها (خیرالدین و رازپور، ۱۳۹۲)

نقشه مذکور (شکل شماره ۳) روستاهای شهرستان بانه را در دسته‌هایی در فاصله ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰ و ۲۵ کیلومتری از مرز عراق قرار می‌دهد. ارزیابی مجموع جمعیت هر یک از دسته‌های روستایی طی ۵ دهه سرشماری، نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۷۵ تمام روستاها تا فاصله ۲۰ کیلومتری از مرز عراق دارای فرایند رشد مشابهی هستند. از سال ۱۳۷۵ به بعد، با بازگشت امنیت به منطقه و ثبات آن، جمعیت روستاهایی که در شعاع ۵ کیلومتری مرز عراق قرار دارند، برخلاف سایر نقاط روستایی شهرستان به شدت رشد می‌کنند. در این میان، مجموع جمعیت روستاهای صفر تا ۵ کیلومتر رشد بیشتری نسبت به سایر نواحی داشته است. وجود اقتصاد غیر رسمی مرزی (قاچاق کالا) باعث شده است که مردم مرزنشین بانه در مشاغل مرتبط با آن مشغول به کار شوند. این اقتصاد غیر رسمی از چند دیدگاه قابل توجه است: اول به نحوی موجب عدم مهاجرت روستاییان به شهر شده است. دوم، خالی نبودن روستاهای نزدیک به مرز، خود عاملی جهت بازدارندگی تهاجم کشورهای همسایه به مرزهای داخلی کشور محسوب می‌شود. از این نظر،

امنیت ملی در حوزه مناطق مرزی دارای قوت بیشتری نسبت به موقعی است که این روستاها خالی از سکنه باشند (خیرالدین و رازپور، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۳).

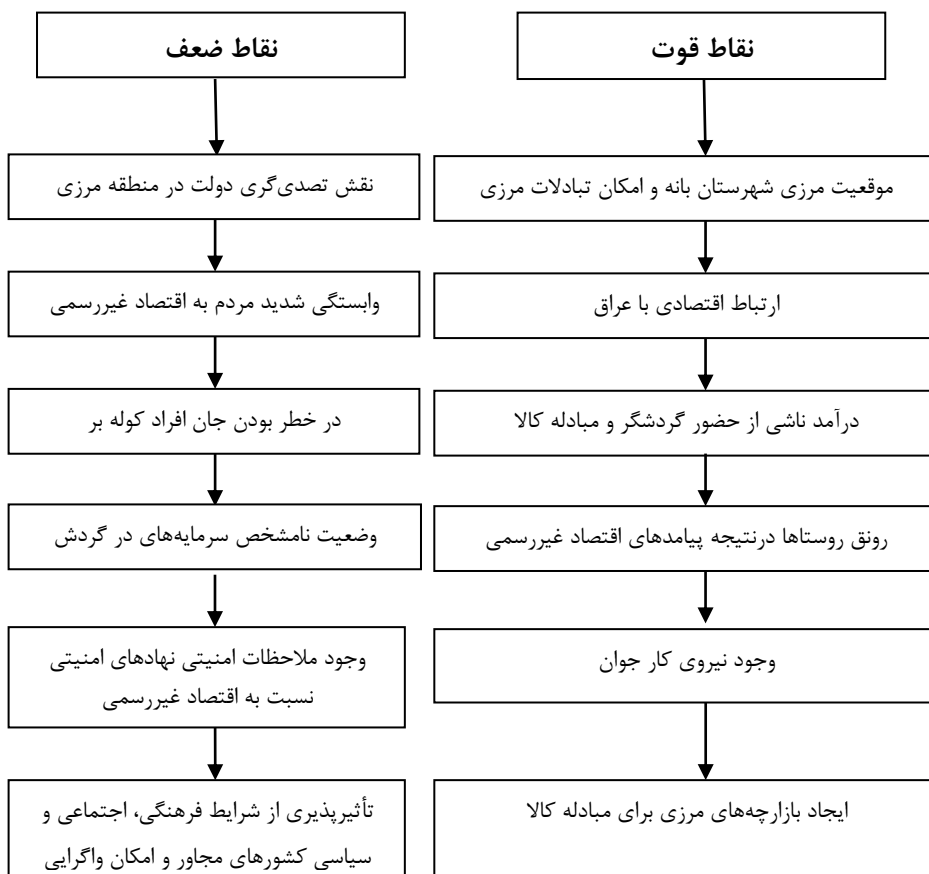
۷- فرصت‌ها و چالش‌های عمده امنیت و توسعه در منطقه مرزی بانه

نمودار شماره ۳، نقاط قوت، ضعف به‌عنوان عوامل داخلی و فرصت و تهدید به‌عنوان عوامل خارجی را در مسائل مرتبط با توسعه و امنیت و پیامدهای آن به‌گونه‌ای کنار هم قرار داده است. منظور از عوامل داخلی آن دسته از مواردی است که به‌صورت بالفعل در منطقه مرزی بانه وجود دارند و منظور از عوامل خارجی، آن دسته از چالش‌هایی است که به‌صورت بالقوه در منطقه موجود می‌باشند و با کسب موقعیت، بالفعل خواهند شد.

در حوزه برنامه‌ریزی سعی بر این است تا از نقاط قوت منطقه مرزی بانه با استفاده از فرصت‌های موجود، راهبردهایی استخراج شوند که به رونق بیشتر منطقه کمک کنند. این راهبردها عبارت‌اند از: رسمی نمودن اقتصاد غیررسمی مرزی شهرستان، توسعه روابط اقتصادی رسمی ایران و عراق و کنترل مدیریت محلی، تزریق درآمدهای شهرستان در بخش‌های زیرساختی، خدماتی و تولیدی، ایجاد بازارچه‌های مرزی و منطقه آزاد تجاری جهت تقویت و گسترش مبادله کالا، برقراری نظام مالیاتی دقیق در شهرستان و استفاده از آن برای توسعه پایدار در شهرستان، ایجاد توسعه همه‌جانبه، پایدار و درون‌زا و استحکام بخشی به پیوند مردم بومی با فرهنگ ملی در راستای تقویت روند توسعه و امنیت منطقه. در حوزه تهاجمی هدف استخراج راهبردهایی است که از آن طریق با استفاده از فرصت‌هایی که در منطقه وجود دارد بر ضعف‌های منطقه‌ای تهاجم صورت بگیرد. راهبردهای این حوزه عبارت‌اند از: تأکید بر کاهش تصدی‌گری دولت، کاهش وابستگی به اقتصاد غیررسمی از طریق تقویت سایر بخش‌های اقتصادی، حمایت از جریان‌های سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های در گردش، توجیه ارگان‌ها و نهادهای مختلف امنیتی کشور نسبت به مسئله غیررسمی مرزی، کاهش انزوای کالبدی از طریق تقویت شبکه‌های ارتباطی و توسعه صنعت گردشگری شهرستان بانه. راهبردهای حوزه تدافعی کمک می‌کنند تا منطقه، با استفاده از نقاط قوت درونی موجود، بر تهدیدهای خارجی غلبه کند. این راهبردها عبارت‌اند از: حمایت دولت مرکزی



از مرز شینان شهر استان در جهت تقویت کرامت انسانی و وحدت ملی، حمایت از اقتصاد غیررسمی مرزی موجود از طریق بازرنگری کلی در شیوه تفکر مدیریت توسعه ای حاکم بر شهرستان، اجرای برنامه‌هایی که هم پیوندی مناطق مرزی را با کل کشور افزایش و بر اساس تعلق به کشور بیفزاید، تقویت و تشویق مشارکت مردمی در تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی و اداری به منظور افزایش حس تعلق ملی و بالا بردن ضریب امنیت در منطقه و صیانت مرزها، تشویق احداث مراکز تولیدی و بازرگانی لازم برای صدور کالا و خدمات ایرانی به کشورهای هم‌جوار و توزیع بهینه مراکز نظامی و انتظامی و پاسگاه‌های مرزی جهت تقویت احساس امنیت.



نمودار شماره ۳ نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات شهرستان بانه (نگارندگان، ۱۳۹۶)

نتیجه‌گیری

امنیت و توسعه در آمایش مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. به عبارت دیگر، توسعه را در مناطق مرزی نمی‌توان تحقق بخشید مگر اینکه امنیت را در آنجا برقرار کرد و بالعکس، امنیت را نمی‌توان در مناطق مرزی محقق ساخت، مگر اینکه این مناطق توسعه پیدا کنند. با توجه به مسائل مطرح شده در این مقاله، عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی از مهم‌ترین چالش‌ها محسوب می‌شود. این عدم تعادل دو تأثیر منفی بر روند توسعه مناطق مرزی بر جای می‌گذارد. از یک سو، توسعه مناطق مرزی را در مفهوم کلی آن، با مشکل مواجه می‌سازد و از سوی دیگر، ناامنی را هم به دلیل موقعیت مناطق مرزی و هم به دلیل عدم توسعه، گسترش می‌دهد. رابطه متقابل توسعه و امنیت به گونه‌ای است که در صورت کاستی و نقص در این ارتباط دو سویه، جوهره توسعه پایدار مناطق مرزی و به ویژه آمایش مناطق مرزی؛ رابطه توسعه و امنیت به عنوان عامل اساسی برنامه‌ریزی به حساب می‌آیند. لذا داشتن رویکردی جدید به توسعه و امنیت در برنامه‌ریزی توسعه مناطق مرزی بر مبنای درک اهمیت رابطه متقابل این دو باهم امری ضروری است؛ بنابراین در برداشت از مفهوم توسعه پایدار در آمایش مناطق مرزی توجه به پایداری دفاعی و برقراری امنیت در کنار توسعه بخش‌های مختلف قابل توجه است.

نبود رونق و توسعه در مناطق مرزی به خودی خود احساس هویت، مالکیت را از مرز شینان سلب می‌کند و اسباب مهاجرت آن‌ها به مناطق دیگر را فراهم می‌آورد. از طرفی مهاجرت و خالی شدن سکونتگاه‌های نواحی مرزی کشور از سکنه به طور بالقوه عاملی برای تهدید تمامیت ارضی و امنیت محسوب می‌شود. تثبیت جمعیت در مناطق مرزی و به وجود آوردن احساس مالکیت بر توسعه محلی و رونق منطقه‌ای، مهم‌ترین اصل است که علمی‌رغم اینکه مرز شینان را در لب مرزهای کشور، تشویق به حفظ و حراست از داشته‌های خود می‌کند، تمایل به برقراری توسعه از



درون همراه با حس مشارکت برانگیخته را چندین برابر می‌کند؛ بنابراین، تثبیت توسعه مناطق مرزی از اصولی است که هم به نفع امنیت ملی و هم به نفع مردم مرزنشین است.

منابع

احمدی پور، زهرا؛ جعفر زاده، حسن و میرزایی، محمدرضا (۱۳۹۳). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۳.

استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی جامع آرایش سرزمین با تأکید بر نگرش سیستمی، جغرافیا، شماره ۱۰

بصیرت، میثم (۱۳۹۰): آمایش سرزمین، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول، تهران

چوخاچی‌زاده مقدم، محمداقبر (۱۳۸۱). مجموعه مقالات همایش آمایش و دفاع سرزمینی انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

حافظ نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹). بررسی تحول مفهوم مرز در دوران معاصر، فصلنامه مرز و جغرافیا، پیش شماره ۱.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پایلی

خنیفر، حسین (۱۳۸۹). درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربرد آن در ایران، فصلنامه آرایش سرزمین، سال دوم، شماره دوم.

خیرالدین، رضا و رازپور، مهدی (۱۳۹۲). تحلیل استراتژیک فرصت‌ها و چالش‌ها در توسعه پایدار منطقه مرزی بانه، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، سال چهارم، شماره چهارم.

دارونت، دی. اف (۱۳۷۳). نقدی بر نظریه‌های قطب رشد و مرکز رشد در برنا هر یزی منطقه‌ای، پرویز اجلالی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

درایسدل و جرالد اچ بلیک (۱۳۷۴). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، دره میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

زرآبادی، سیره سادات سعیده و هم‌کاران (۱۳۹۲). ارزیابی راهبرد های آمایش مناطق مرزی بر اساس مدل Sodat-Anp. سومین کنفرانس بین‌المللی برنا هر یزی و مدیریت محیط‌زیست، دانشگاه تهران.

زرقانی، هادی، (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی دانشگاه علوم انتظامی، شرفی، مهدی. نگاهی به ویژگی‌های طبیعی اقتصادی آذربایجان، معاونت برنامه‌ریزی.

سرور، رحیم (۱۳۸۴). جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین. انتشارات سمت. چاپ اول، تهران.

صالحی، اسماعیل و پوراصغر سنگاچین، فرزام (۱۳۸۸). تحلیلی بر موانع فراروی آمایش سرزمین. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۸۸

عزتی، نصرالله و همکاران (۱۳۹۰). نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران)، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره چهارم.

عندلیب، علیرضا و م‌طوف، شریف، (۱۳۷۹). تجربه‌های آمایش مناطق مرزی دو پاره‌آلمان و درس‌هایی برای ایران، شماره ۲۹

عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه پایه آمایش مناطق مرزی، دوره عالی جنگ، تهران.

کریمی پور، یدالله پور، (۱۳۸۱). ایران و همسایگان منابع تنش و تهدید، دانشگاه تربیت‌معلم.



کالینگورس، بری وی (۱۳۸۷). برنا مهریزی بریتانیا یایی: پنجاه سال سیاست گذاری شهری و منطقه‌ای، مترجم: عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش، تهران.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران، نشر نی.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت.

میرمحمدی، محمد (۱۳۸۶). آرایش سرزمین و ملاحظات امنیت اقتصادی، انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، تهران.

Hansen, NM. (1975). "An Evaluation Of Growth Center Theory And Practice". *Environment And Planning*, 7, 821-832.

Pena, S. (2005). "Recent Development In Urban Marginality Along Mexico, S. Northern Border". *Journal Of Habitat International*, 29, 258-301.